

امه زاگه ۲۹ ساله شد

وقتی مهر «مریسی موقت» روی پیشانی یک مریسی می خورد، از او توقع کسب افتخار بزرگی ندارند. این داستان برای امه زاگه در تیم ملی فرانسه رخ داد و هیچ کس تصور نمی کرد دوران جدید فوتبال در سرزمین خروس هایه دست او بیاینم تحت هدایت او رقم بخورد.

زاگه در دوران بازی یک هافبک دفاعی خوب برای نیم سنت این بود و در دهه ۱۹۶۰ با تیمش چند قهرمانی در لیگ فرانسه کسب کرد اما ورودش به دنیای مربیگری را مدیون لیون، آخرین تیم باشگاهی اش در دوران بازی بوده. با لیون شروع کرد و با ورودیه قله رسید.

در لیگ فرانسه ۳ فصل در دهه ۱۹۸۰ بود و در قهرمانی در لیگ فرانسه کسب کرد اما ورودش به دنیای مربیگری را مدیون لیون، آخرین تیم باشگاهی اش در دوران بازی بوده. با لیون شروع کرد و با ورودیه قله رسید.

نکته جالب اینکه هولیه هم خودش قبل از اینکه سرمربی فرانسه شود، دستیار مشعل پلاتینی بود اما دوران تلخ هولیه و تا کاهی در راهیایی به جام جهانی ۱۹۹۴، در خوشبختی را روی زاگه باز کرد. امه که ابتدا قرار بود مریسی موقت باشد، در آغاز راه مشکلات خاصی داشت.

کاپیتان و ستاره تیم او اریک کانتونا بود که

ایران ورزش

روزنامه ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز: خیرگزار جمهوری اسلامی • مدیرمسئول: علی عالی • تلفن: ۰۲۱۱۳۰۴۰۸۸۵ • شماره: ۸۸۵۰۱۳۰۰-۱۸۷۷ • سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۰۱۳۰۰-۸۸۵۰۱۳۰۰ • انتشارات: ۸۸۵۴۸۸۹۲ و ۸۸۵۴۸۸۰۰ • امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۱۹۵۲-۸۸۷۴۸۸۰۰ • نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰/ صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ • چاپ: ایرانین

www.INN.ir
info@inn.ir

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

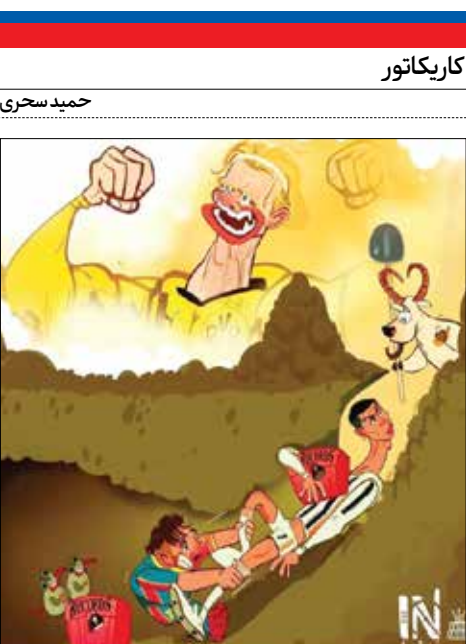
@iranvarzeshi
شماره ۶۶۳۴

عکس روز

افتاده از اسب



مسابقات اسب سواری یکی از بهترین رخدادهای ورزشی برای عکس هاست که می توانند حسایی توانایی شان را به رخ بکشند. زیبایی های این ورزش هم به دلیل وجود اسب های اصیل کم نیستند و البته صحنه هایی که در آن خلق می شود، بیشتر از هر ورزش دیگری حس هیجان و خطر را به تماشاگران منتقل می کند. تصویر بالا در مسابقات کورس کورال کاپ انگلستان ثبت شده. عکاس بردلی کانریس است که برای گمی ایجیوز عکاسی می کند. جاکی فرگوس آن سوار کاری است که از اسبش (با نام دوپل رفاض) افتاده و این صحنه دیدنی را خلق کرده.



ارلینگ برات هالند در هفته ای که جایزه «بسر طلایی» را برای خودش کرد، حسایی درخشید. ۴ گل در بوندس لیگا زد و ۲ گل در لیگ قهرمانان. او دارد همه رکورد ها را برای خودش می کند و فصل را ۱۲ بازی اش در لیگ قهرمانان ۱۶ گل زده و در کل ۳۳ گل در ۳ بازی که برای دورتموند به میدان رفته به تمرسانده.

در چنین روزی
۱۳۸۰/۴

بلاژیویج: همه می خواهند در ایران بمانم اما نمی توانم

میروسلاو بلاژیویج پس از گفت و گوی مطبوعاتی در تهران طی تماس تلفنی با روزنامه «دوتنی اواز» چاپ ساریوو گفت که همه خواستار ماندن و ادامه کار در ایران هستند اما من نمی توانم بمانم.

روزنامه دوتنی اواز روز سه شنبه به نقل از بلاژیویج نوشت که بر اساس یک نظرسنجی، ۸۷ درصد ایرانیان خواستار ادامه کار با تیم ملی فوتبال کشورشان هستند. سرمربی تیم ملی فوتبال ایران گفت: «من خسته هستم و از همه چیز خسته شدم.»

وی در زمینه مصاحبه مطبوعاتی روز دوشنبه در تهران گفت که بیش از ۲۰۰ خبرنگار و عکاس در این کنفرانس شرکت داشتند و من در عمرم هرگز چنین کنفرانسی نداشتم.

وی درباره اینکه آیا در کنفرانس مطبوعاتی، تصمیم خود را برای ترک این کشور اعلام کردید، گفت که من متأسفانه نتوانستم بگویم در ایران نمی مانم، چرا که نمی خواستم آسان را غمگین کنم.

بلاژیویج گفت: ایرانیان ملتی هستند که معنی دوست داشتن را خوب می دانند. و بسیار عاطفی، باصفا و گرم هستند.»

وی افزود: «من بارها گفته ام ایرانی ها هرگز نگذشتند تا تحمل خواهند کرد و آنان از ابتدا انتظار زیادی از من داشتند.»

ایستادگری

دکتر حمید رضا صدر hamid.reza.sadr

مسی؛ خانه ویران



روی جلد آخرین شماره نشریه «فور فور تو» به این برتره لیونل مسی تعلق دارد که در آن به نقطه نامعلومی خارج از قباب بانو یو ایخم و بی تفاوتی خیره شده. تیتزر کنار عکس این است «مسی: حقیقت».

شماره ای در کالبد شکافی اختلاف مسی و بارسا

دوره می چشم و گوش بسته ها

از کنار هم می گذریم

پنالتی

استقلال و لشکر روی نیمکت

با کدام ایده ها، با کدام دستیاران؟

محمود فکری از روزی که گفت برای پرداخت حق رضایت نامه به باشگاه نساجی خانه اش را می فروشد تا ناسازگویی در بازی با فولاد، حرف های رایج زبان نیابود که حاوی ایده هایش برای مربیگری باشد. هنوز نمی دانیم و نمی شناسیم او در مربیگری صاحب ایده ها و چه نگاه هایی است و این هنوز بازی تیم او نیز پیدا نیست. آنچه فکری در نساجی اجرا کرده بود نیز نمی تواند ملاک تشخیص باشد چون مربیگری در لیگ برتر با نساجی و استقلال تفاوت هایی چشمگیر در روش های فنی دارد.

همه این حرف ها به این دلیل مطرح است که فکری در انتخاب دستیارانش نیز نشان نداده که مشغول اجرای چه ایده هایی است. در استقلال دستیاران سرمربی مربیانی نیستند که صاحب ایده هایی برای بازی باشند تا بتوانیم با شناخت آنها به آنچه در استقلال خواهد گذشت، دست پیدا کنیم. صمد مرفاوی اگر چه خود سال ها در استقلال مربیگری کرده اما سال هاست که تیمی را نساخته و قابل تشخیص نیست که چه ایده هایی از او را در استقلال خواهیم دید و آن ایده ها چیستند و چه نشانه هایی دارند.

فکری بعد از بازی هفته دوم مقابل فولاد گفت: قرار نیست اینقدر زود خسته شوم اما بعضی وقت ها یکسری باخت ها لازم است که دوست و دشمن خودتان را بشناسید. فضای بسیار مسمومی را ایجاد کردند. ذهن فکری درگیر شناسایی دوست و دشمن است اما مساله بازی استقلال این حرف ها نیست. بهترین دوست کسانی او دستیاران دانا هستند، همان کسانی که نمی دانیم فکری درست انتخاب شان کرده است یا خیر.

فکری حرف های دیگری هم دارد و می خواهد به همه اعلام کند که به زمان نیاز دارد اما باید دید کادر فنی استقلال برای ساختن در زمان مورد نظر فکری جدی و صاحب ایده باشند؟ او گفته: استقلال ها باید بداندند چه من مربی باشم چه هر کس دیگری، باید به آنها فرصت داد. شود تا خودشان را نشان دهند. مثلاً من خودم مقدم از هفته هفتم باید در مورد آقای استراماچونی نظر بدهیم. استقلالی هایباید حواس شان باشد که بازیچه دست برخی ها برای رسیدن به منافع آنها نشوند. به هر حال در هر بازی ایراد هایی هست و من بعد از بازی با همس رفسنجان گفتم باید دنبال ایراد های مان باشیم. وقتی می بازیتم این ایراد ها بیشتر است. اگر منطقی فکر کنیم تا ایراد ها را پیدا کنیم، خوب است ولی اگر همه غیر منصفانه وارد شود، خود استقلالی هایباید حواس شان باشد. فکری به دوران استراماچونی اشاره می کند و به زمان مورد نیاز ما باید در روند هفته به هفته نشان دهد که مشغول اجرای چه پروژه فنی با دستیارانش است.

یادداشت

سازمانده

فکری، مشغول چه کاری بودند و روی چه تمرکزی کردند که متوجه یک بازیکن تیم در زمین نشدند؟ نقش کدامیک از آنها توجیه به این نتایج مهم است؟ آیا قرار است در ادامه فصل نیز آنها با آرایشی سردرگم و شرح وظایفی نامعلوم روی نیمکت استقلال بنشینند؟

کاپیتان سابق استقلال، از همان روز اول انتقادات نسبت به انتخاب دستیارانش را با خود به باشگاه استقلال آورد. غیر از امید عالی قدرتی که سابقه کار در آکادمی والنسیا را دارد، گویا سایر اعضا چون زمانی عضو او مجموعه استقلال بودند، از نظر فکری لزوماً شایسته این بودند که کنارش روی نیمکت بنشینند. از میان این افراد، صمد مرفاوی و پرویز مظلومی در سالیان نه چندان نزدیک دورانی ناموفق در استقلال داشتند و پس از آن نتوانستند حتی در تیم های کوچک تر به تقویت کارنامه خود بپردازند. سایر افراد نیز تقریباً تجربه ای جدی تر از دستیار فکری در نساجی (به مدت نیم فصل) نداشتند.

به عنوان مثال، حنیف عمران زاده که در دوران بازیگری اش بچه غول دوست داشتی پسران آبی بود، حال قرار است بر سر بازیکنان کنونی تیم فریاد بکشد تا ک غیرتشان بچوسد، ولی در جریان بازی نتواند راه کاری برای استفاده از ذخیره هایی همچون درویش شجاعیان، مهدی مهدی پوروشیخ

تقریه نفر

میعاد نیک

اتحاد آبی و بی اثر اقلیمی بادو پادشاه

استاده از تعداد دستیاران بالا در یک کادرفتی را پیش از نمونه های وطنی، پیش تر در بارسلونا، بارین مونیخ و منچستر سیتی پب گواردیولا دیده بودیم که در مقاطعی نابغه اسپانیایی حتی با مجموع ۱۱ دستیار روی نیمکت حاضر می شد و کار را پیش می برد. البته که کلکسیون افتخارات پپ و عملکرد بی نظیرش در باشگاه هایی که حضور داشته، دلایل و هزینه های استفاده از نفرات متعدد و سواست شدید به دستیارانی تفویض می کنند که هر کدام از آنها می توانند به تنهایی هدایت یک تیم فوتبال را بر عهده بگیرند. مطابق همیشه اما فوتبال منغل ایران در کرته برداری از الگوهای خارجی هم ناموفق عمل کرده و نمونه متعالی این سوپر دستاها را در کادرفتی امسال استقلال می بینیم. محمود فکری برای هدایت آبی ها از

نام هایی کنار خودش استفاده کرده که شاید هر کدام از آنها برای جلب توجه هواداران و یا تهیج های معمول رسانه ای انتخابی مناسب باشند اما پس از دیدار تیم استقلال مقابل فولاد مشخص شد که این کادر به ظاهر سنگین عملاً چیزی برای ارائه ندارد و مانند زنبوری ست که نیش می زند و عسل هم نمی دهد. فاجعه عدم تعویض محمد دانشگر در آن بازی و ۱۰ نفره شدن استقلال در دقائق پایانی روی اشتباه سرپرست تیم، بروز درگیری و انشقاق بین فکری و دیپاتره در او خربازی و ناتوانی در کنترل عواطف و احساسات سرمربی بازنده تنها ۳ مورد از تومار بی کفایتی کادری ست که هر کدام از اعضای آن مبالغ هنگفتی را دریافت و دعای بسیاری را به دوش می کشند. حضور پرویز مظلومی به عنوان سرمربی و تیم با خود استقلال شاید علی الظاهر بیانگر اتحاد بین اقلیم نمی گنجد و پرویز خان همیشه خودش را نفر اول کادرفتی آبی، هادیده، نه یک پست تجملاتی.

تک به تک

جمع رفقا جمع است

سفرهای به اسم استقلال

تا روزی که قانون منع به کارگیری مربی های خارجی در ایران برقرار باشد نیمکت تیم های ایرانی به ویژه استقلال و پرسپولیس امید اول همه پیشکسوتان وین باشگاه است. پیش از این وقتی علاقه مدیران به استخدام مربی خارجی بود، چندان فرصتی برای مربی های داخلی برای رسیدن به نیمکت فراهم نبود اما حالا فضا برای رسیدن به این نیمکت باز است. منظور این نوشته البته این نیست که در میان گزینه های دستیارانی قابلیت یا لیاقت نشتن روی نیمکت این تیم را ندارد. بلکه بیشتر بر عطر بش همیشگی پیشکسوتان فوتبال ایران برای رسیدن به نیمکت اشاره دارد. اغلب پیشکسوتان دور از میدان منتقد مربی های فعلی هستند و سیاست های آنها را نادرست می دانند و خودشان را گزینه بهتری برای رسیدن به نیمکت های می دانند. اغلب هم وقتی به نیمکت تیم محبوب شان می رسند کارنامه خوبی به چانه می گذارند.

در این میان چگالی پیشکسوتانی که خودشان را لایق رسیدن به نیمکت می دانند هم در دوره های مختلف متفاوت است. به خاطر باور وید پرسپولیس اوایل دهه نود را که حمید استیلی، علی دایی، افشین پوربوسی، نوردرخان و حسین عبدی در آن سال ها خودشان را بهترین گزینه برای رسیدن به نیمکت پرسپولیس می دانستند. نتیجه جاه طلبی های شان هم برخی از سیاه ترین روزهای تاریخ پرسپولیس بود که مثال اخراج دایی و آمدن درخشان معروف ترین شان است. حال و روزهای استقلال هم چیزی شبیه همان سال های پرسپولیس است.

وقتی فرهاد مجیدی و استقلال به مشکل خوردند و صحبت از مربی جدید برای این باشگاه بود چندین و

چند چهره گزینه جدی رسیدن به این نیمکت بودند. گزینه هایی که هر کدام خودشان را لایق رسیدن به این نیمکت می دانستند. از محمود فکری که حالا سرمربی استقلال است بگیر تا پاشا زاده و جواد نکونام و حتی امیر قلعه نویی. حالا در این میان فرعه به نام محمود فکری افتاده و او هم با گروهی بزرگ از پیشکسوتان استقلال به عنوان مربی به این تیم آمده است. از پرویز مظلومی بگیر تا صمد مرفاوی و حنیف عمران زاده. حتی چند چهره مثل سیروس دین محمدی هم از باشگاه جدا شدند یا این حال همچنان چگالی پیشکسوتان روی نیمکت استقلال زیاد است.

سابقه نشان داده حضور بر تعداد این چهره ها البته که چالش آفرین است و ممکن است روزی به حاشیه های زیادی برای این تیم تبدیل شود اما سؤال مهم تر این است که کارکرد این چهره ها روی نیمکت استقلال چیست؟ این مربی ها قرار است چه کمکی به استقلال بکنند؟ یک معیج نامحوظی در کادرفتی فرهاد مجیدی به تنهایی کار کرد و اثر مشخصی در تیم جدیدی داشت. مربی با دانشی که توان فنی خوبی داشت و در جای درستی به کار گرفته شده بود و از قضا نتیجه کارش هم معلوم بود اما سؤال اینجاست که این لشکر بزرگ در کنار فکری چه کار کردی غیر از دوستی با او دارند؟ کدام شان در بازی یا فولاد نتوانستند با تغییر فنی روند بازی را عوض کنند یا مانع شکست شوند؟ اصلاً تا اینجای کار اثری از آنها معلوم بوده؟ آنچه مشخص است این است که روی نیمکت استقلال غیر از محمود فکری دیگر کسی نه چهره است و نه تاکنون اثری از خودش نشان داده و این شاید یکی از بزرگترین نقاط ضعف این نیمکت باشد.